

ازدواج

و رابطه‌ی آن با جرم

- ۱ -

قبل از هر چیز لازم است بدانیم منظور و هدف از ازدواج چیست و چه تاریخچه‌ای را پشت سر گذاشته است و در این میان مقام و حقوق زن چگونه بوده است و آنگاه بپردازیم به اینکه چطور ممکن است يك ازدواج به نحو مستقیم یا غیر مستقیم منجر به جرم شود ؟ .

بنابراین برای سهولت کار ، مطلب را در چند بخش دنبال می‌کنیم .

بخش نخست - تعریف هدف

گفتار نخست - تعریف ازدواج

ازدواج را گاه رسم و گاه نهاد اجتماعی خوانده‌اند و برای آن تعاریف گوناگون

و نزدیک بهم آمده است. آقایان دکتر بهنام و دکتر راسخ ازدواج را چنین تعریف کرده اند:
ازدواج عبارتست از رابطه‌ای قانونی، عرفی یا دینی که مرد و زن را برای
شرکت دائم یا موقت در زندگی بهم می‌پیوندند.^۱

«برونیا و مالی‌نوسکی» در تعریف ازدواج می‌گوید «قراردادی است برای
به وجود آوردن فرزندان و حفظ و نگاهداری آنان»^۲ «ارنست گراوز» ازدواج را
بمنزله‌ی اعتراف علنی و ثبت رسمی مزاجت میدانند.^۳

در قرآن مجید تعریف ازدواج چنین آمده است: **وَمِن آيَاتِهِ انْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ
انْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لَتَسْكُنُوا اِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ بَیِّنَةً مَّوَدَّةَ وَ رَحْمَةً .** (از نفوس
شما برایتان جفت‌هایی آفرید که مایه‌ی آرامش و سکونت خاطر شما باشد و بین شما
مهر و محبت را پایه یگانگی قرار داد.^۴

در قانون مدنی ایران تعریف صریحی از ازدواج نمی‌توان یافت ولی آقای
دکتر شایگان در کتاب حقوق مدنی در تعریف آن چنین گفته‌اند: «ازدواج عقدی
است که بوسیله آن مرد و زن به قصد شرکت در زندگی و کمک یکدیگر قانوناً باهم
متحد می‌شوند»^۵ اما بطور خلاصه می‌توان ازدواج را یک نهاد اجتماعی و عبارت از
قراردادی دانست که میان زن و مردی با رضایت کامل جهت همکاری در پیشبرد یک
زندگی مشترک قانوناً و شرعاً منعقد می‌شود.^۶

گفتار دوم - هدف از ازدواج

در گذشته هدف از ازدواج مسائل مختلفی از قبیل پیوند دو قبیله و استفاده‌های
اقتصادی و غیره بوده که ضمن مباحث آنی بآنها اشاره‌ی می‌کنیم ولی امروزه نظرهای
مختلفی در این زمینه ابراز می‌گردد. بعقیده بعضی هدف از ازدواج جز تنظیم قانون
روابط جنسی چیز دیگری نیست و عبارت دیگر هدف فقط تمتع و لذت جنسی
می‌باشد.

منتسکیو می‌گوید یکی از مقاصد بزرگ ازدواج اینست که از ارتباط‌های

نامشروع جلوگیری بعمل می آورد.^۲

آقای دکتر ترابی می گویند « هدف از ازدواج علاوه بر تنظیم روابط جنسی بصورت جامعه پسند، تشکیل خانواده و تولید نسل است»^۸.
در جای دیگر آمده است که علاوه بر اینکه ازدواج جزء فرایض دینی است منظور از آن حفظ نسل و داشتن اولاد می باشد.

هرودت می گوید در نظر ایرانیان بزرگترین افتخارات بعد از شجاعت در جنگ، داشتن فرزندان متعدد بود و استرابون نقل می کند که پادشاه هدیایابی سالیانه برای خانواده هائی میفرستاد که فرزندان زیاد داشتند^۹. اما امروزه اکثراً معتقدند که هدف از ازدواج علاوه بر بقای نسل و ادامه حیات موارد زیر می باشد:

۱ - تکامل فرد

بدین معنی که تکامل فکری، عاطفی، اخلاقی، جنسی و حتی سلامت جسمانی بدون ازدواج صحیح حاصل نمی شود.

۲ - ایجاد تعاون و تعاضد در زندگی و همکاری همه جانبه

۳ - ایجاد اعتدال و میانه روی در فرد

بدین معنی که انسان تا بسن معینی (بین ۲۰ تا ۲۶ سال) اعتدال رفتاری و فکری خود را حفظ می کند ولی از این سن هر قدر دیرتر ازدواج کند مقداری از میانه روی خود را از دست می دهد چنانکه ممکن است فرد مجرد ۳۵ ساله شدیداً به نقاشی یا کتابخوانی یا عیاشی و شب زنده داری کشیده شود.

۴ - بهره مند شدن انسان از تمام مواهب و لذات و کامیابی های جنسی و معنوی^{۱۰}

بخش دوم - تاریخچه ی ازدواج و مقام و حقوق زن در ادوار مختلف

گفتار نخست - تاریخچه ی ازدواج

ازدواج از يك خواست و غریزه ی طبیعی ریشه می گیرد . بنابراین همزمان با پیدایی زن و مرد ازدواج نیز بعنوان يك تأسیس اجتماعی در تاریخ بشری خودنمایی

کرده است و اصیل ترین رابطه‌ی اجتماعی انسانی است.

مسئله‌ی ازدواج در طول تاریخ در میان هر دسته و جمعیتی طبق اوضاع و احوال و خصوصیات نژادی و قبیله‌ای و قومی و عادات و آداب و رسوم بتدریج ریشه گرفته و بشکلی اجرا می‌شده و می‌شود. با مطابقتی تاریخی حقوق، بقوانین هفتگانه خانواده بر می‌خوریم که قدیمی ترین قانون در زمینه ازدواج و مقررات مربوط به آن می‌باشد و پس از آن می‌توان از قانون هامورابی نام برد که بیش از ۴۰ ماده آن درباره‌ی ازدواج می‌باشد.^{۱۱}

در روم قدیم سه نوع ازدواج وجود داشت، یکی ازدواج مذهبی، دیگر ازدواج عرفی و بالاخره ازدواج USUS که در این نوع اگر مردی بهر وسیله‌ای دختری را برای مدت یکسال با خود هم بستر می‌ساخت شوهر آن زن محسوب می‌شد.^{۱۲}

بر حسب روایات موجود در ۱۷ قرن قبل از میلاد در یونان عقد ازدواج وجود نداشته و یونان در حال اختلاط می‌زیستند.^{۱۳}

در هند به ازدواج بعنوان یک عمل آلوده و ننگین نظر می‌شد و تولید نسل گناهی بزرگ محسوب می‌گردید و بطوریکه یکی از کتب بودائی نقل شده زن به نهننگ مخوفی تشبیه شده که منتظر می‌نشینند تا شناوری را در رودخانه زندگی شکار و طعمه خویش سازد.^{۱۴}

در مذهب زرتشت، ازدواج تکلیف مقدسی است و منظور از آن توالد و تناسل می‌باشد. انوشیروان تقریباً ازدواج را اجباری کرده و از خزانه خود به تنگستان که وسیله‌ی ازدواج و نگهداری از خانواده را نداشتند کمک می‌کرد.^{۱۵}

گفتار دوم - مقام و حقوق زن در ادوار مختلف

۱ - وضع و حقوق زنان در بابل

یکی از قدیمی ترین قوانین دنیای باستان که در واقع از سایر مقررات منصفانه تر و عطاوت آمیزتر بوده قانون معروف هامورابی است. مطابق مقررات این قانون خانواده اصولاً از یک مرد و یک زن تشکیل می‌شد ولی مرد می‌توانست

درعین حال يك يا چند معشوقه داشته باشد و همه را در يك منزل جای دهد و شوهر می توانست زن خود را بهر بهانه و علتی که می خواست طلاق بدهد و زن هم در صورت بدرفتاری شوهر حق طلاق داشت ولی این امر منوط به تصمیم دادگاه بود.

اختلاف حقوق زن و مرد در قانون هامورابی در مورد خیانت در امر زناشوئی بهتر بچشم میخورد. اگر مردی وظایف همسری را فراموش کرده و با زنان دیگر روابط نامشروع برقرار می کرد تنها چاره زن ترك کردن شوی بود ولی اگر زن مرتکب خیانت میشد مجازات سخت و هولناکی در انتظارش بود. یکی دیگر از مقررات قانون هامورابی اجازه میداد که شوهر با رضایت دادگاه، زن و کودکش را بعنوان وثیقه‌ی دین خود نزد بستانکار بامانت گذارد.^{۱۶}

۲- وضع و حقوق زنان در رم

در خانواده‌ی رمی رئیس خانواده یا «پاترفامیلیاس» قدرت مطلقه داشت و میتواندست بهر ترتیب که صلاح بداند نسبت به زن و فرزندان خود عمل کند ولی قدرت او نسبت به زن و دختران خویش از مورد پسران بیشتر بود. بهر حال زن دارای هیچگونه شخصیت و اختیاری نبود و مانند شیئی مورد معامله قرار می گرفت. شوهر یا پدر میتواندست آنها را بفروشد یا قرض و کرایه دهند و حتی بکشند.^{۱۷} فقط پسران از پدر خود ارث میبردند و دختران سهمی نداشتند. ازدواج باعث استقلال دختران نمیشد زیرا قدرت پدر بعد از ازدواج هم تسری پیدا می کرد و ضمناً زن تحت نفوذ و قدرت کامل شوهر خویش هم قرار میگرفت.^{۱۸}

اما در دوره امپراطوری بخصوص از قرن دوم میلادی ببعده وضع و حقوق اجتماعی زن تغییر کلی مییابد. اولاً قدرت و نفوذ رئیس خانواده تقلیل می یابد، ثانیاً ازدواج مبتنی بر قصد و اراده طرفین میگردد و ثالثاً زنان آزادی و اختیارات بیشتر بدست می آورند و تقریباً با مردان دارای حقوق مساوی میشوند و در زمان اگوست کنت مقرراتی راجع به ازدواج و طلاق وضع میگردد و اختیارات بیشتری به زن میدهد و ضمناً مجازات خیانت نسبت به زن و مرد یکسان میشود.^{۱۹}